

امکان دارد از شما تقلید کنیم؟ نظر شما پیرامون علم امام و ولایت تکوینی وی چیست؟

حیدر حب الله

ترجمه: محمد رضا ملانی

سوال: خدا را شکر می‌کنم که توفیق داد تا با شما آشنا شوم، حقیقتاً آشنایی با شما مرا به سعادت‌مند کرد. به هر حال پرسش من این است: نظر شخصی شما پیرامون ولایت تکوینی پیامبران و امامان چیست؟ منظور من از ولایت تکوینی این است که آن‌ها روزی رسان هستند، باران را آن‌ها می‌بارانند، حرکت ابرها به دست آنان است، از غیب آگاه‌اند و مریضان را شفا می‌دهند، البته که همه این‌ها به دست خداوند است ولی هرگاه که بخواهند این امور را مدیریت می‌کنند. شاید بهتر باشد این‌گونه بگویم که خداوند متعال آنان را بر نیروهایی خارق العاده مسلط گردانیده و آنان هم هروقت که بخواهند (اراده کنند)، آن‌ها را به کار می‌گیرند. لطفاً نظرتان را پیرامون این نکته هم بیان کنید که آیا خداوند، عالم را تنها برای محبت به اهل بیت آفریده است؟ در ضمن به نظرتان آیا تقلید از افکار شما جایز است؟ من در کمال سعادت هستم حتی اگر نظر شخصیتان را هم ارائه نکنید.

پاسخ: این پرسش از من خواسته است که بدون درگیری با مباحث و مناقشات موجود در این مسئله، خلاصه نظر خودم را مطرح کنم، البته من پیش از این بارها در مناسب‌های مختلف به این دلایل و مناقشات موجود در این موضوع اشاره کرده‌ام. اما نظر خودم:

1- اگر منظورتان این است که هر چیزی که در عالم اتفاق می‌افتد به واسطه پیامبر و اهل بیت او است و آن‌ها واسطه فیض هستند یا اینکه مقصود شما این است که هرگاه که بخواهند در امور تکوینی عالم می‌توانند دخالت کنند تا طبق خواست آن‌ها اوضاع تغییر کند (این مطلب متمایز از این است که آن‌ها دعا کنند و خداوند دعایشان را مستجاب کند و به این طریق تغییری که می‌خواهند در عالم رخ دهد و یا اینکه در مواقعی استثنائی بتوانند چنین تصرفاتی داشته باشند) این معنای ولایت تکوینی برای من اثبات شده نیست. بلکه شواهد قرآنی و حدیثی فراوانی در مخالفت با این مفهوم از ولایت تکوینی و علم غیب وجود دارد.

2- اگر منظورتان از محبت اهل بیت تنها یک دوست‌داشتن عاطفی معمولی است، می‌بینیم که آن ادعا با این آیه قرآن که: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>2</sup> (ذاریات: 56) سازگار نیست، عبادت خداوند به این معنی است که از او بترسیم، نماز بخوانیم، در برابر او فروتن باشیم، در شرع و دین از او اطاعت کنیم و به دنبال تربیت انسان صالح و ایجاد جامعه و امتی صالح باشیم. به نظر می‌رسد که با توجه به این آیه قرآن، فلسفه آفرینش همین باشد، نه اینکه صرفاً یک نفر، فرد دیگری را شدیداً

<sup>1</sup> حیدر حب الله، إضاءات في الفكر والدين والاجتماع 4: سوال: 535.

<sup>2</sup> و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم.

دوست داشته باشد. اما اگر منظور از محبت اهل بیت این باشد که آن‌ها را اطاعت کنیم که اطاعت از آن‌ها اطاعت از خداوند است و از این طریق بهترین راه‌ها را در عبادت او طی کنیم و صحیح‌ترین ایمان و اطاعت را داشته باشیم، چنین معنایی از محبت قابل قبول است.

3- معنای اینکه پژوهش‌گر، نویسنده، عالم، متفقه یا فقیهی نظرش را مطرح کند این نیست که می‌توانیم از او تقلید کنیم یا اینکه اجازه داریم افکار او را ترویج کنیم. من معتقدم با وجود مشکلات فراوانی که نزد نهاد دین مسلمانان وجود دارد، ولی ما نیازمند گونه‌ای از تمرکز در مرجعیت دینی هستیم و نباید از طریق چهره‌های مختلف و جریان‌های اجتماعی متعدد به تشتت و پراکندگی خودمان دامن بزنیم. بنابراین به هیچ وجه به مصلحت ما نیست که با پسندیدن افکار و آراء یک شخص، از دیگران بخواهیم که از او تقلید کنند یا به دلیل این پسندیدنی که تقلید را در گرو آن قرار دادیم، دنبال ترویج افکار و روش شناخت او باشیم، باید دقت کنیم که تقلید، تنها راه اصلاح نیست! به طور کلی موضوع تقلید – با توجه به مصلحت نوعی در هر زمان - مرتبط با فقیهان بزرگی است که در امت اسلامی، خود را در معرض تقلید دیگران قرار داده‌اند و دیگران را فراخوانده‌اند که از وی تقلید کنند یا برای تقلید از خود مانعی نمی‌بینند. البته در این میان مانعی هم وجود ندارد که از مردم بخواهیم فقیهان پیش‌رویی را به عنوان مرجع تقلید خود برگزینند که به امت و جامعه اسلامی توجه بیشتری دارند ولی نباید این دعوت، به اهانت نسبت به سایر مراجع بیانجامد.

خودم – با توجه به اینکه به تقلید از اعلم باور ندارم- به دلیل توجه به مصالح عمومی مردم، از آن‌ها می‌خواهم که از میان فقها و علما فردی را برگزینند که نسبت به مسائل فکری، اجتماعی، فرهنگی، دینی و سیاسی امت، صالح‌تر، فهیم‌تر و لایق‌تر باشد. به نظر من تقلید فقط در ارتباط با مباحث فقهی معنی پیدا نمی‌کند، بلکه در معنای امروزی آن با برنامه مرجع، اجرای آن و فعالیت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی و همچنین با مواضع، دیدگاه‌ها، اولویات، پختگی و درک عام او نیز مرتبط است.

اما از جهت شرعی مسئله، هر فردی که از کسی تقلید می‌کند که علمیت مرجع را واجب می‌داند، نمی‌تواند از غیر اعلم تقلید کند اما اگر برایش علمیت آن فرد ثابت شده است یا اینکه از کسی تقلید می‌کند که تقلید از اعلم را واجب نمی‌داند و یا خود مقلد به این نتیجه رسیده است که علمیت شرط واجب برای مرجعیت نیست، می‌تواند از آن شخص تقلید کند. از نظر مشهور علما، فتوی با بیان نظر فقهی متفاوت است، فتوی بیان نظر فقهی‌ای است که به قصد عمل دیگران صورت می‌گیرد. بنابراین از نظر آن‌ها تقلید از کسی که از نظر ما مجتهد است و از طریق روش‌های صحیح علمی (و نه از روی شور و عاطفه) اجتهادش برایت ثابت شده است، صحیح نیست مگر اینکه نظرش را به قصد عمل دیگران مطرح کرده باشد. من تا به امروز، به هیچ وجه، هیچ کدام از آرای فقهیم را به این قصد منتشر نکرده‌ام و اساساً چنین امری در اهداف و اولویات من جایی ندارد.